

ارزیابی مقایسه‌ای نگرش‌های کارآفرینانه دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی و مهندسی برق دانشگاه تهران)

سعید جعفری مقدم^{۱*} - کاوه اعتمادی^۲

۱. استادیار دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران

۲. کارشناسی ارشد دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱۰/۲۵، تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۵/۱۴)

چکیده

اولین دوره‌های آموزش کارآفرینی در دهه ۱۹۶۰ در آمریکا آغاز شد. امروزه این دوره‌ها در برنامه درسی بسیاری از دانشکده‌های سراسر دنیا گنجانده شده است. با توجه به اهمیت آموزش کارآفرینی در توسعه اقتصادی و کاهش فقر، نظام آموزش عالی ایران نیز با راه‌اندازی دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، دوره‌های مذکور را در سطح‌های مختلف دانشگاهی طراحی و اجرا کرد. از انتظارات کلیدی این اقدام، تغییر طرز تلقی دانش‌آموختگان این دوره‌ها نسبت به ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی (از جمله نیاز به موفقیت، محور کنترل درونی، خلاقیت و ...) است. مقاله حاضر در پی اندازه‌گیری این تغییر، در مقایسه دانش‌آموختگان کارآفرینی با دانش‌آموختگان دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر است. یافته‌های مقاله، حاصل پژوهشی میدانی است که در ۲ دانشکده مدیریت و مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه تهران اجرا شده است. ابزار اصلی گردآوری این اطلاعات، پرسش‌نامه بومی‌شده‌ی ابزار اندازه‌گیری ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان ایرانی است که بین ۳ گروه دانشجویان (ترم‌های اول و آخر برق و ترم آخر کارآفرینی) توزیع شد. یافته‌های حاصل، نمایان‌گر تغییر مثبت نگرش دانشجویان مدیریت کارآفرینی نسبت به ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی پس از ۲ سال (در مقایسه با بدو پذیرش) و عدم برخورداری این تفاوت معنادار در نگرش ۲ گروه دانشجویان دانشکده برق نسبت به ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینی است. این گروه‌ها در مقایسه با دانشجویان ترم اول مدیریت کارآفرینی (جز در مورد شاخص ریسک‌پذیری) در بقیه شاخص‌ها از وضعیتی بهتر برخوردار هستند.

واژگان کلیدی: آموزش کارآفرینی، نگرش دانش‌آموختگان، نیاز به موفقیت، ریسک‌پذیری

مقدمه

تغییرات سریع جامعه‌ها و ضرورت سازگاری فعالانه با این تغییرات، ارزش کارآفرینان را در فعالیتهای اقتصادی جهان روزافزون و لزوم توجه به کارآفرینی و توسعه آن را بیش از پیش کرده است. به ویژه، در کشورهایی مانند ایران که دستیابی به مزیت‌های رقابتی و حل مسائل و مشکلات عمومی جامعه مثل بیکاری و توسعه-نیافتگی، ملزم به توسعه کارآفرینی است. آموزش کارآفرینی از جمله اقدامات استراتژیک برای رشد و توسعه است. جوانان به عنوان نیروهای متخصص آتی کشور تنها در صورت بهره‌مندی از مهارت‌های کارآفرینی قادر خواهند بود، به عنوان یک کارآفرین یا صاحب کسب و کاری مستقل در حل مسائل یادشده نقشی مؤثر ایفا کنند. از این رو، در حال حاضر آموزش کارآفرینی به یکی از مهمترین و گسترده‌ترین فعالیتهای دانشگاهها تبدیل شده است.

اولین دوره‌های آموزش کارآفرینی، با توجه به ضرورت‌های یادشده، از اواخر دهه ۱۹۶۰ در آمریکا شروع شد و در حال حاضر دانشکده‌های بسیاری در سراسر دنیا این دوره‌ها را در دوره‌های درسی خود گنجانده‌اند (احمدپور و همکاران، ۱۳۸۳، ۳۴). به طور کلی، تحقیق در خصوص آموزش کارآفرینی، به عنوان یک رشته جدید در دهه ۱۹۹۰ مورد توجه قرار گرفت و مواردی همچون توسعه روش‌های تحقیقی برای سنجش اثربخشی آموزش کارآفرینی، محتوا و روش‌های آموزش کارآفرینی مورد توجه قرار گرفت (احمدپور، ۱۳۷۸، ۲۳). از آنجا که تغییر نگرش، مقدمه تغییر رفتار است، یکی از مسائل بنیادی در ارزیابی اثربخشی دوره‌های آموزش کارآفرینی، نقش این دوره‌ها در تغییر نگرش‌های دانشجویان نسبت به ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی و مقایسه تغییر نگرش این دانشجویان با دانشجویانی است که در این دوره‌ها شرکت نکرده‌اند (دانشجویان کارشناسی ارشد برق)، که مسأله اصلی این تحقیق را به خود اختصاص می‌دهد.

ضرورت و اهمیت تحقیق

با گذشت بیش از ۴ دهه از آموزش‌های دانشگاهی کارآفرینی در جهان، از یک سو و با ملاحظه نیاز امروز جامعه به مریبان، کارشناسان و مشاوران کارآفرینی، از سوی دیگر، ضرورت و اهمیت آموزش اثربخش کارآفرینی در کشور، در سطح‌های تحصیلات تکمیلی، بر متولیان امر آشکار گشته است. تشکیل گروه آموزشی مدیریت کارآفرینی در دانشگاه تهران و توسعه آن طی سال‌های گذشته در قالب دانشکده کارآفرینی، گامی عملی در راستای توجه به این ضرورت محسوب می‌شود. بدیهی است تداوم اثربخش این دوره‌ها، تنها در صورت ارزیابی مستمر دستاوردهای آن، از جمله تعیین آثار آن بر نگرش و رفتار دانش‌آموختگان این دوره‌ها میسر خواهد بود. از سوی دیگر، نتایج این تحقیق از نظر اقتصادی نیز حائز اهمیت است، زیرا اگر دوره‌های مورد بررسی، تغییر نگرش دانشجویان نسبت به ویژگی‌های کارآفرینی را موجب شود، می‌توان انتظار داشت که با افزایش تعداد این دانش‌آموختگان در آینده، تعداد بیشتری از آنان در جمع کارآفرینان کشور ظاهر شوند و از این طریق، سرعت کشور در مسیر توسعه اقتصادی افزایش یابد.

نتایج حاصل از ارزیابی دوره‌های کارشناسی‌ارشد کارآفرینی از آثار اجتماعی نیز برخوردار خواهد بود. تقویت نگرش‌های کارآفرینانه در میان دانش‌آموختگان دانشگاه‌های کشور، حتی اگر بر تعداد کارآفرینان کشور نیفزاید، با گسترش باورهای تقویت‌کننده‌ی نیاز به موفقیت، ریسک‌پذیری، تحمل ابهام، خلاقیت و ... مفاهیم و ویژگی‌های یادشده را در میان این دانش‌آموختگان، اعضای خانواده، نزدیکان و نیز محیط کار ایشان و در نهایت، از این طریق، فضای جامعه را در مسیر خلاقیت و کارآفرینی تقویت خواهد کرد.

هدف اصلی این تحقیق، ارزیابی تأثیر آموزش‌های کارآفرینی دوره کارشناسی‌ارشد مدیریت کارآفرینی (به عنوان متغیر مستقل) بر نگرش‌های این دانشجویان نسبت به ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینی، نیاز به موفقیت، مرکز کنترل درونی، ریسک‌پذیری، تحمل ابهام و خلاقیت (کردناتیج و همکاران، ۱۳۸۶، ۱۲۸) به عنوان

متغیرهای وابسته است (جدول شماره ۱). این ارزیابی از ۲ طریق مقایسه نگرش‌های دانشجویان ترم آخر کارآفرینی با نگرش‌های آنان در بدو ورود؛ و مقایسه نگرش‌های دانشجویان ترم آخر کارآفرینی با نگرش‌های دانشجویان ترم آخر برق دانشگاه تهران نسبت به ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینی انجام می‌گیرد.

جدول ۱. متغیر مستقل و متغیرهای وابسته تحقیق (محقق ساخته)

متغیر مستقل	متغیرهای وابسته
آموزش‌های دوره کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی	نگرش دانشجویان نسبت به ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینانه، شامل: نیاز برای موفقیت مرکز کنترل تمایل به ریسک‌پذیری تحمل ابهام خلاقیت

مروری بر ادبیات موضوع

الف) گزیده‌ای از سابقه‌ی جهانی تحقیق: اگر چه تحقیقات قابل ملاحظه‌ای درباره تأثیر آموزش‌های کارآفرینی بر تغییر نگرش و افزایش قابلیت‌های کارآفرینی شرکت‌کنندگان انجام گرفته است، اما پژوهش‌گران در مجموعه بررسی‌های خود در سطح ایران و جهان، به تحقیقی دست نیافتند که به ارزیابی مقایسه‌ای نگرش‌های کارآفرینی در میان دانشجویان مدیریت کارآفرینی و دانشجویان رشته‌ای دیگر (مثلاً مهندسی برق) پرداخته باشد. در این بخش مرتبط‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده با موضوع تحقیق مورد بررسی و جمع‌بندی قرار می‌گیرد.

هنسمارک طی تحقیقی به بررسی نقش آموزش در افزایش مرکز کنترل درونی افراد پرداخت. وی دریافت که برگزاری دوره‌های آموزشی بر میزان کنترل درونی افراد تأثیرگذار است (هنسمارک، ۱۹۹۸، ۴۷).

هوارد^۱ نیز تحقیقی در زمینه قابلیت‌های کارآفرینی انجام داده است. نمونه آماری این تحقیق را ۴۵۰ نفر از دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند. در این تحقیق، تأثیر پرورش قابلیت‌های کارآفرینی، استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری، انگیزه پیشرفت، کنترل درونی، اعتماد به نفس، جسارت و خلاقیت بر کارآفرینی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان داده است که رابطه‌ای مستقیم بین این قابلیت‌ها و توانایی کارآفرینی افراد وجود دارد (نک: هوارد، ۲۰۰۴، ۱۶۲-۱۶۶).

شماری دیگر از تحقیقات در این زمینه در سراسر جهان انجام شده است که محدودیت‌های موجود موجب است تا به جمع‌بندی نتایج مهمترین آنها در جدول شماره ۲ اکتفا شود.

جدول ۲: جمع‌بندی تحقیقات انجام‌شده در خارج از کشور (محقق‌ساخته)

اهداف و نتایج تحقیق	محقق	سال	ردیف
هدف اصلی این پروژه، گسترش درک و فهم بیشتر از برنامه جدید کارآفرینی، به خصوص در رده‌های بالای تحصیلات است.	اسمیت، کلینز و هانون ^۲	۲۰۰۶	۱
هدف از این تحقیق، بررسی رویکرد جهت‌دار کارآفرینانه و بحث در تکنیک‌های مختلف تدریس برای برانگیختن مهارت‌ها و رفتارهای کارآفرینانه میان دانشجویان بود.	هاینون و پویکیجوجکی ^۳	۲۰۰۶	۲
هدف از انجام این تحقیق، ارزیابی توسعه آموزش کارآفرینی، اهمیت کارآفرینی در نهاد آموزش عالی آفریقای جنوبی و ارائه پیشنهادهایی به منظور آماده‌سازی برای بهبود این زمینه بود.	جسلین و میشل ^۴	۲۰۰۶	۳
این مقاله می‌کوشد با نگاهی عمیق روشن سازد چرا بعضی از دانشگاهها در ایجاد و تأسیس شرکت‌های جانبی تکنولوژی محور بیش از بقیه موفقیت کسب کرده‌اند.	اوشیا، آلن، چوالیر و روچ ^۵	۲۰۰۵	۵
این مقاله نوآوری و ابتکاری را که در دانشگاه گلامورگان اجرا، حمایت و	ادواردز و مور ^۶	۲۰۰۵	۶

1. Howard
2. Smith, Collins & Hannon
3. Heinonen & Poikkijoki
4. Jesselyn & Mitchell
5. O'Shea, Allen, Chevalier & Roche
6. Edwards & Muir

ترویج شده است مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. هدف از این نقد و بررسی یافتن بهترین متد از این راههای خلاقانه و جدید است تا در آینده در برنامه‌های تحصیلی شناخته و جایگزین روش‌های سنتی و ناکارآمد شود.			
رابطه‌ای مستقیم بین قابلیت‌های کارآفرینی (استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری، انگیزه پیشرفت، کنترل درونی و خلاقیت) و توانایی کارآفرینی افراد وجود دارد.	هوارد	۲۰۰۴	۷
این مقاله سعی دارد لزوم آموزش کارآفرینی را در یک محیط یادگیری متفاوت بیان کند. به ویژه، در مورد روش تدریس بر روش‌های عمل‌گرا، حمایت‌کننده، یادگیری تجربی، حلال مشکلات، پروژه محور، خلاق و خودارزیابی تأکید می‌کند.	جونز ^۱ و اینگلیش	۲۰۰۴	۸
کارآفرینان نیازهای یادگیری خود در زمینه کارآفرینی را دانش کسب و کار، مهارت‌های کسب و کار و مهارت‌های انسانی ذکر کرده‌اند.	رایموند ^۲	۲۰۰۳	۹
دانشجویان خلاقیت و نوآوری را مؤثرترین ویژگی در انجام فعالیت‌های کارآفرینانه می‌دانند و دوره‌های خلاقیت، کارآفرینی اجتماعی، امور مالی و سرمایه‌گذاری را برای آموزش کارآفرینی پیشنهاد کرده‌اند.	پوستیگو و تامبورینی ^۳	۲۰۰۲	۱۰
در این پروژه به نحوی معقول این سؤال مطرح می‌شود که کیفیت تأثیر این برنامه آموزشی تا چه حد است؟ ما چقدر از این برنامه اطلاعات صحیح داریم؟ موضوع‌های کلی در تحصیل یا آموزش کارآفرینی کدامند؟ هدف‌های تربیتی یا تعلیمی این مؤسسات یا سازمان‌های آموزشی در این رشته چیست؟	بچارد و تولوس ^۴	۱۹۹۸	۱۱
این پروژه تحقیقی درباره برنامه طراحی شده و نتایج حاصل از فارغ‌التحصیلی دانشجویانی که در این رشته فعالیت عملی داشته‌اند انجام شده و برخی دیگر از جنبه‌های این رشته تحصیلی را، که به صورت عملی آموزش داده شده، بررسی کرده است.	مک ملن و گلین ^۵	۱۹۹۸	۱۲
این تحقیق عملکرد زنان کارآفرین را از ۵ جنبه نظری بررسی کرده، مدل خود را با توجه به بررسی عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان و عملکرد آنان ارائه کرده است. بر اساس این تحقیق، شرکت‌کنندگان در کلاس‌های آموزشی،	هیستریج و پیترز ^۶	۱۹۹۸	۱۳

1. Jones & English
2. Raymond
3. Postigo & Tamborini
4. Bechard & Toulouse
5. McMullan & Gilln
6. Histrich & Peters

نمرات بیشتری را در مهارت‌های کارآفرینی کسب کردند.			
این تحقیق به منظور دست‌یافتن به این نتیجه که آیا می‌توان کار را آموزش داد و به عبارت دیگر، آیا می‌توان در حین کار و عمل، تحصیل کرد یا نه، انجام شده است.	گاروانت و اوسینید ^۱	۱۹۹۴	۱۴
برگزاری دوره‌های آموزشی کارآفرینی بر مرکز کنترل افراد تأثیرگذار است.	هنسمارک ^۲	۱۹۸۸	۱۵
ویژگی‌های کارآفرینی (مانند تمایل به موفقیت، جسارت، استقلال‌طلبی، خودمختاری و خیرخواهی) در میان کارآفرینان زن و کارآفرینان مرد تفاوتی را نشان نداده است.	هیستریج و براش ^۳	۱۹۸۶	۱۶

ب - سابقه تحقیق‌های انجام گرفته در ایران: تحقیقاتی به شرح ذیل صورت پذیرفته

است:

۱. تحقیق سوختانلو و همکارانش با هدف ارزیابی و مقایسه قابلیت‌های روان‌شناختی مؤثر بر سطح کارآفرینی در میان دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران، جدیدترین تحقیق جستجو شده توسط مؤلفان، در این زمینه در ایران بود. این پژوهش نشان داد که سطح‌های تحصیلی و دوره‌های دانشگاهی مختلف، سطح قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان کشاورزی را افزایش نمی‌دهد. همچنین فقدان محرک‌های کافی برای تمایل دانشجویان به کارآفرینی و فقدان آموزش‌های کارآفرینی دقیق و کامل، از توسعه هرگونه چشم‌انداز کارآفرینانه در میان دانشجویان ممانعت می‌کند. در نهایت، این تحقیق بر موارد ذیل به عنوان راه حل تأکید می‌کند: ضرورت مرور محتوای دروس موجود؛ همکاری بیشتر بین دانشگاه‌ها و مراکز کارآفرینی دانشگاهی؛ برنامه‌های آموزش کارآفرین محور در همه دوره‌های کشاورزی (سوختانلو، رضوان فر و هاشمی، ۲۰۰۹، ۱۷۵)؛
۲. مسعود احمدی تحقیقی تحت عنوان نیازسنجی آموزش کارآفرینی در میان

1. Garavan & O' Cinneide
 2. Hansemark
 3. Histrich & Brush

دانشجویان دوره‌ی کارشناسی مهندسی برق دانشگاه تهران، با هدف کلی مشخص نمودن نیازهای آموزشی دانشجویان در زمینه کارآفرینی انجام داده است. نتایج این تحقیق نشان داد که برنامه درسی دوره کارشناسی رشته مهندسی برق، به نحو مطلوبی دانش و مهارت‌های مورد نیاز در زمینه کارآفرینی را در دانشجویان پرورش نداده است و فارغ‌التحصیلان، حتی آنها که روحیه کارآفرینی بالایی دارند پس از فارغ‌التحصیلی، آماده ایجاد یک کسب و کار مستقل برای خود نیستند، زیرا در این دوره، کوششی جدی برای مجهز کردن این قشر با دانش، نگرش و مهارت‌های لازم در جهت موفقیت شغلی صورت نگرفته است. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که دانش و مهارت‌های کارآفرینی مورد نیاز دانشجویان در ۴ زمینه عبارتند از: ایجاد انگیزه و تمایل برای ایجاد کسب و کار؛ دانش و مهارت امکان‌سنجی کسب و کار؛ توانایی ایجاد کسب و کار؛ ۴. ارزیابی وضعیت موجود و برنامه‌ریزی برای توسعه کسب و کار جدید (احمدی، ۱۳۸۵، ۴۲-۱۲۶)؛

۳. پژوهش صمدی و شیرزادی اصفهانی با هدف بررسی رابطه جو مدرسه با روحیه کارآفرینی در دانش‌آموزان دخت، ر از دیگر پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه است. روش این پژوهش، توصیفی از نوع هم‌بستگی و نمونه‌های آماری آن، شامل ۱۸۰ مدیر و دبیر زن شاغل و ۱۵۰ دانش‌آموز دختر پایه‌های دوم و سوم مقطع متوسطه شهر اصفهان بوده است. نتایج این تحقیق، بیان می‌دارد که: میان جو سازمانی و روحیه کارآفرینی، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. شاخص‌های روحیه کارآفرینی (خلاصیت، عزت نفس، انگیزه پیشرفت، منبع کنترل درونی، آینده‌نگری و خطرپذیری) در دانش‌آموزان بالاتر از میانگین است. میان شاخص‌های جو سازمانی (صمیمیت، عدم جوشش، بازدارندگی) با روحیه کارآفرینی رابطه‌ای معنادار وجود دارد، اما میان سایر شاخص‌های جو سازمانی (روحیه، کناره‌گیری، نفوذ، تأکید بر تولید، مراعات) با روحیه کارآفرینی رابطه‌ای معنادار وجود ندارد و بالاخره میان جو هنرستان‌ها و دبیرستان‌ها در ایجاد روحیه کارآفرینی رابطه‌ای معنادار وجود ندارد (صمدی و شیرزادی اصفهانی، ۱۳۸۵، ۴۳-۵۸)؛

۴. احسان بدری پژوهشی با هدف تعیین میزان قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان انجام داد. نتایج این تحقیق نشان داد که:
- الف - قابلیت‌ها (ویژگی‌ها)ی کارآفرینی دانشجویان (شامل استقلال‌طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت) بالاتر از میانگین است و بین قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان سال اول و سال آخر تفاوت معناداری وجود دارد؛
- ب - بین قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان مراجعه‌کننده به مرکز کارآفرینی و سایر دانشجویان تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود؛
- ج - نمرات ریسک‌پذیری دانشجویان از متوسط نمره معیار پایین‌تر است؛
- د - آموزش‌های دانشگاهی در پرورش ویژگی کارآفرینی دانشجویان مؤثر نبوده است (بدری، ۱۳۸۴، ۲۵۵-۲۵۶)؛
۵. تحقیق یارایی در دانشگاه شیراز، با عنوان بررسی برخی روحیات کارآفرینی در بین دانشجویان و مقایسه آن با مدیران صنایع نشان داد که بین ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان با جنسیت، سن، محل تولد و سطح تحصیلات والدین آنان رابطه‌ای معنادار وجود ندارد (یارایی، ۱۳۸۳، ۲)؛
۶. پژوهش عزیزی در میان دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی‌ارشد دانشگاه شهید بهشتی، وجود رابطه‌ای معنادار بین خصوصیات فردی دانشجویان (استقلال‌طلبی، خلاقیت، ریسک‌پذیری و انگیزه‌ی پیشرفت) با میزان کارآفرینی آنها را نشان داد. همچنین نتایج این تحقیق اعلام داشت که زمینه پرورش کارآفرینی برای این دانشجویان فراهم نشده است (عزیزی، ۱۳۸۲، ۲۲۲-۲۲۳)؛
۷. تحقیق دیگری در زمینه کارآفرینی، با عنوان بررسی میزان کارآفرینی دانش‌آموختگان علوم انسانی در نشریات فرهنگی و اجتماعی شهر تهران توسط هزارجریبی صورت گرفته، که به بررسی، شناخت و ویژگی‌های کارآفرینی دانش‌آموختگان علوم انسانی و همچنین نقش دوره‌های آموزش دانشگاهی در ایجاد کارآفرینی پرداخته است. این پژوهش نشان داد که بین کارآفرینی و دوره‌های آموزش انگیزه پیشرفت، ریسک‌پذیری و خلاقیت رابطه‌ای معنادار وجود دارد (هزارجریبی، ۱۳۸۲، ۳۱۱)؛

۸. شکرشکن و همکارانش به بررسی رابطه انگیزه‌ی پیشرفت، مخاطره‌پذیری، خلاقیت و عزت‌نفس با کارآفرینی در دانشجویان شهید چمران اهواز پرداختند. پژوهش ایشان نشان داد که بین انگیزه پیشرفت، مخاطره‌پذیری، خلاقیت و عزت‌نفس با کارآفرینی دانشجویان رابطه‌ای معنادار وجود دارد (شکرشکن و همکاران، ۱۳۸۱، ۲۶۳-۲۶۷)؛

۹. تحقیق احمدپور با هدف ارائه الگوی پرورش مدیران کارآفرین نیز نشان داد که بین عوامل شخصیتی، سازمانی و جمعیت‌شناختی با کارآفرینی هم‌بستگی وجود دارد (احمدپور، ۱۳۷۷، ۳۶۰-۳۸۹).

با ملاحظه سوابق یادشده، مشاهده می‌شود که شمار قابل توجهی از پژوهش‌های بومی انجام‌شده طی سال‌های اخیر، به موضوع پرورش مهارت‌های کارآفرینی، تغییر نگرش افراد نسبت به کارآفرینی و بررسی نقش عوامل تأثیرگذار در این زمینه پرداخته است. خلاصه نتایج این تحقیقات در جدول شماره ۳ ارائه می‌شود.

جدول ۳. تحقیقات انجام‌شده در داخل کشور (محقق ساخته)

اهداف و نتایج تحقیق	محقق	سال	ردیف
هدف اصلی این تحقیق، ارزیابی و مقایسه قابلیت‌های روان‌شناختی مؤثر بر سطح کارآفرینی در میان دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران بود. این پژوهش نشان داد که سطح‌های تحصیلی و دوره‌های دانشگاهی مختلف، سطح قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان کشاورزی را افزایش نمی‌دهد. همچنین فقدان محرک‌های کافی برای تمایل دانشجویان به کارآفرینی و فقدان آموزش‌های کارآفرینی دقیق و کامل، از توسعه هر گونه چشم‌انداز کارآفرینانه در میان دانشجویان ممانعت می‌کند. در نهایت، این تحقیق بر موارد ذیل به عنوان راه حل تأکید می‌کند: ضرورت مرور محتوای دروس موجود؛ همکاری بیشتر بین دانشگاهها و مراکز کارآفرینی دانشگاهی؛ برنامه‌های آموزش کارآفرین‌محور در همه دوره‌های کشاورزی.	سوختانلو، رضوان‌فر و هاشمی	۲۰۰۹	۱
نتایج این تحقیق نشان داد که دانش و مهارت‌های کارآفرینی مورد نیاز دانشجویان عبارتند از: ایجاد انگیزه و تمایل برای ایجاد کسب‌وکار؛ دانش و	احمدی	۱۳۸۵	۲

مهارت امکان‌سنجی کسب و کار؛ توانایی ایجاد کسب و کار؛ ارزیابی وضعیت موجود و برنامه‌ریزی برای توسعه کسب و کار جدید.			
نتایج نشان داد که شاخص‌های روحیه کارآفرینی در بین دانش‌آموزان بیش از متوسط است، همچنین با رشد یک شاخص سایر شاخص‌ها بهبود می‌یابد.	صمدی و شیرزادی اصفهانی	۱۳۸۵	۳
نتایج نشان داده است که قابلیت‌های کارآفرینی در زمینه استقلال‌طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت در دانشجویان بالاتر از میانگین است. همچنین آموزش‌های دانشگاهی در پرورش ویژگی‌های کارآفرینی آنان مؤثر نیست.	بدری	۱۳۸۴	۴
نتایج این تحقیق نشان داد که ۵ خصیصه‌ی توفیق‌طلبی، استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری، خلاقیت و عزم و اراده در بین دانشجویان به میزان کمی وجود دارد.	زالی	۱۳۸۴	۵
در این تحقیق نشان داده شد که بین ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان با جنسیت، سن، محل تولد و سطح تحصیلات والدین رابطه‌ای معنادار وجود ندارد.	یارایی	۱۳۸۳	۵
نتایج نشان داده است که بین خصوصیات مثل استقلال‌طلبی، خلاقیت، ریسک‌پذیری و انگیزه پیشرفت دانشجویان با میزان کارآفرینی آنها رابطه‌ای معنادار وجود دارد. همچنین این تحقیق نشان داد که زمینه پرورش کارآفرینی برای دانشجویان فراهم نشده است.	عزیزی	۱۳۸۲	۶
در این تحقیق نشان داده شده است که بین کارآفرینی و دوره‌های آموزش انگیزه پیشرفت، ریسک‌پذیری و خلاقیت رابطه‌ای معنادار وجود دارد.	هزارجریبی	۱۳۸۲	۷
نتایج نشان داده است که بین انگیزه پیشرفت، مخاطره‌پذیری، خلاقیت و عزت‌نفس با کارآفرینی رابطه‌ای معنادار وجود دارد.	شکرشکن و همکاران	۱۳۸۱	۸
این تحقیق به منظور ارائه الگوی پرورش مدیران کارآفرین صورت گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که بین عوامل شخصیتی، سازمانی و جمعیت‌شناختی با کارآفرینی همبستگی وجود دارد.	احمدپور	۱۳۷۷	۹

اگر چه در خلاصه‌ی گردآوری‌شده، مطالعه‌ای در زمینه مقایسه نگرش‌های دانشجویان کارآفرینی و دانشجویان مهندسی برق مشاهده نمی‌شود، اما بررسی نتایج تحقیقات یادشده، بیانگر آن است که ویژگی‌های کارآفرینی قابل آموزش هستند و بین کارآفرینی و ویژگی‌هایی مانند خلاقیت، استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری و انگیزه پیشرفت، رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های اصلی

۱. آموزش‌های دوره کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، تغییر نگرش دانشجویان این رشته نسبت به ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینی را منجر می‌شود (در مقایسه نگرش‌های آنان در بدو ورود به این رشته)؛
۲. آموزش‌های دوره کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، تغییر نگرش دانشجویان این رشته نسبت به ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینی را منجر می‌شود (در مقایسه این دانشجویان با دانشجویان رشته مهندسی برق).

فرضیه‌های فرعی

فرضیه‌های فرعی تحقیق، در ۲ بخش، عبارت است از:

۱. در مقایسه‌ی نگرش‌های دانشجویان دوره کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی در بدو ورود به این رشته:
 - ۱-۱. آموزش‌های دوره کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، تغییر نگرش دانشجویان این رشته نسبت به ویژگی‌ی نیاز به موفقیت را منجر می‌شود؛
 - ۲-۱. آموزش‌های دوره کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، تغییر نگرش دانشجویان این رشته نسبت به ویژگی‌ی کنترل درونی را منجر می‌شود؛
 - ۳-۱. آموزش‌های دوره کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، تغییر نگرش دانشجویان این رشته نسبت به ویژگی‌ی ریسک‌پذیری را منجر می‌شود؛
 - ۴-۱. آموزش‌های دوره کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، تغییر نگرش دانشجویان این رشته نسبت به ویژگی‌ی تحمل ابهام را منجر می‌شود؛
 - ۵-۱. آموزش‌های دوره کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، تغییر نگرش دانشجویان این رشته نسبت به ویژگی‌ی خلاقیت را منجر می‌شود؛
۲. در مقایسه‌ی نگرش‌های دانشجویان دوره کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی با دانشجویان رشته مهندسی برق:

- ۱-۲. آموزش‌های دوره کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، تغییر نگرش دانشجویان این رشته نسبت به ویژگی نیاز به موفقیت را منجر می‌شود؛
- ۲-۲. آموزش‌های دوره کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، تغییر نگرش دانشجویان این رشته نسبت به ویژگی کنترل درونی را منجر می‌شود؛
- ۳-۲. آموزش‌های دوره کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، تغییر نگرش دانشجویان این رشته نسبت به ویژگی ریسک‌پذیری را منجر می‌شود؛
- ۴-۲. آموزش‌های دوره کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، تغییر نگرش دانشجویان این رشته نسبت به ویژگی تحمل ابهام را منجر می‌شود؛
- ۵-۲. آموزش‌های دوره کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، تغییر نگرش دانشجویان این رشته نسبت به ویژگی خلاقیت را منجر می‌شود.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، تحقیقی کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، تحقیقی توصیفی (غیرآزمایشی)، از نوع تحقیق همبستگی ۲ متغیری است. در این پژوهش، متغیر وابسته نگرش دانشجویان نسبت به ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینانه و متغیر مستقل آموزش‌های دوره کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی است.

قلمرو موضوعی تحقیق، که در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۸۷ انجام شده، ارزیابی تغییر نگرش دانشجویان نسبت به ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینی و قلمرو مکانی آن، دانشجویان ترم آخر کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی و دانشجویان ترم آخر مهندسی برق دانشگاه تهران است.

جامعه آماری شامل دانشجویان ترم آخر کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی و مهندسی برق دانشگاه تهران است. تعداد دقیق این دانشجویان از طریق اداره تحصیلات تکمیلی دانشکده‌های مدیریت و فنی دانشگاه تهران، ۸۵ نفر تعیین شد. در این تحقیق، برای محاسبه‌ی حجم نمونه مورد نیاز برای پژوهش، از رابطه ذیل استفاده شده است:

$$= \frac{NZ^2 p^2 q^2}{(1-N)\epsilon + Z^2 pq} = 44$$

n = حجم نمونه؛ N = حجم جامعه؛ p = درصد توزیع صفت در جامعه؛ q = درصد افرادی که فاقد صفت در جامعه هستند؛ ϵ = از تحقیقات مشابه یا نمونه مقدماتی $n = 44$ به دست می آید.

از تعداد ۴۴ نفر یادشده، ۲۲ نفر از دانشجویان مدیریت کارآفرینی (۶ نفر از جنس مؤنث و ۱۶ نفر از جنس مذکر) و ۲۲ نفر از دانشجویان مهندسی برق (۸ نفر از جنس مؤنث و ۱۴ نفر از جنس مذکر) بودند. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسش‌نامه است و از بررسی‌های کتابخانه‌ای و مصاحبه نیز در انتخاب و نهایی کردن ابزار گردآوری داده‌ها و رویکرد پژوهشی استفاده شد. پرسش‌نامه برگزیده با استفاده از تحقیق کردنائیج و همکاران (۱۳۸۶) شامل ۹۵ سؤال است که هر تعداد سؤال، امتیاز مربوط به یکی از ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینی موردنظر در فرضیات تحقیق را مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهد.

روایی و پایایی تحقیق

در این پرسش‌نامه از روایی هم‌زمان استفاده شده است. این روش هنگامی مطرح می‌شود که ابزار اندازه‌گیری بتواند به نحو مطلوب آزمون‌هایی را که با هم تفاوت دارند، از هم متمایز کند. در این پژوهش هم با توجه به شناسایی کارآفرینان از غیرکارآفرینان، به عنوان هدف ابزار، روایی هم‌زمان مطرح است. بر همین اساس و به منظور بررسی روایی هم‌زمان، در این تحقیق نیز به ترتیب از تکنیک تحلیل ممیزی و آزمون t مستقل استفاده شد.

برای محاسبه پایایی ابزار اندازه‌گیری در این تحقیق از روش آلفای کرونباخ $(r_a = \frac{i}{i-1}(1 - \frac{\sum s_i^2}{s^2}))$ استفاده شده است. این روش برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری به کار می‌رود.

روش‌های موردنظر برای تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق و آزمون فرضیات تحقیق از روش‌های آماری به ۲ شکل توصیفی و استنباطی، در ابتدا با استفاده از آمار توصیفی به تبیین و توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی داده‌ها پرداخته، و سپس برای بررسی فرضیات تحقیق از آمار استنباطی استفاده شد. چون تعداد نمونه آماری از ۳۰ عدد کمتر است، با توجه به قضیه حد مرکزی، برای اعتبار بیشتر از آزمون کروسکال والیس (مقایسه ناپارامتری) بهره گرفته شد. همچنین برای سنجش ربط شاخص‌ها و این که رابطه عکس یا مستقیم دارند، همبستگی ناپارامتری اسپیرمن مورد استفاده قرار گرفت که همبستگی رتبه‌ها را محاسبه کرد.

یافته‌های تحقیق

الف - یافته‌های برگرفته از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان: خلاصه نتایج حاصل از بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان در جدول شماره ۴ ارائه شده است:

جدول ۴. خلاصه نتایج ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان

گروه‌های مورد بررسی	دامنه سنی	جنسیت		۲ سال سابقه کار و بالاتر	مهارت		اقدام به راه‌اندازی کار		تمایل به راه‌اندازی کار	
		مرد	زن		دارد	ندارد	کرده	نکرده	دارد	ندارد
ترم آخر کارآفرینی	۲۵-۳۰	٪۷۳	٪۲۷	٪۸۲	٪۹۱	٪۹	٪۸۳	٪۲۷	٪۱۰۰	٪۰
ترم آخر برق	۲۳-۲۷	٪۶۴	٪۳۶	٪۲۷/۳	٪۷۳	٪۲۷	٪۲۷	٪۷۳	٪۷۳	٪۲۷

ب - یافته‌های برگرفته از آزمون فرضیات تحقیق: یافته‌های این بخش را می‌توان به شرح ذیل خلاصه کرد:

۱. نگرش دانشجویان مدیریت کارآفرینی نسبت به ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی (نیاز به موفقیت، کنترل‌درونی، ریسک‌پذیری، تحمل ابهام و خلاقیت) پس از ۲ سال بهبود یافته است. از این رو، فرض اصلی اول و فروض فرعی آن پذیرفته می‌شود؛
۲. نگرش دانشجویان ترم آخر برق و دانشجویان ترم اول برق نسبت به ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینی از تفاوتی معنادار برخوردار نیستند و هر ۲ گروه در مقایسه با دانشجویان ترم اول مدیریت کارآفرینی (جز در مورد شاخص ریسک‌پذیری) در بقیه شاخص‌ها وضعیتی بهتر دارند. پرسشی که این یافته در برابر ما قرار می‌دهد آن است که آیا واقعاً نگرش کارآفرینانه در میان دانشجویان رشته برق (در بدو ورود به این رشته) در مقایسه با دانشجویان رشته کارآفرینی (در بدو ورود) از وضعیتی بهتر برخوردار است؟ در این صورت، باید در پی اقداماتی بود که دانشجویانی مستعدتر به رشته کارآفرینی وارد شوند؛
۳. مقایسه دانشجویان ترم آخر مدیریت کارآفرینی و دانشجویان ترم آخر برق، از وضعیت بهتر دانشجویان ترم آخر مدیریت کارآفرینی در شاخص ریسک‌پذیری نشان دارد. با توجه یافته‌های فوق، فرض اصلی دوم و فرض فرعی سوم مورد قبول هستند. خلاصه این یافته‌ها چنین است:
 - ۳-۱. شاخص‌های متغیرهای روان‌شناختی کارآفرینی در مورد دانشجویان مهندسی برق، تفاوتی معنادار بین دانشجویان سال اول و آخر نشان نمی‌دهد؛
 - ۳-۲. شاخص‌های مربوط به متغیرهای روان‌شناختی کارآفرینی در مورد دانشجویان ترم اول و ترم آخر برق، به جز ریسک‌پذیری در مقایسه با دانشجویان ترم اول مدیریت کارآفرینی وضعیتی بهتر دارند؛
 - ۳-۳. نگرش دانشجویان مدیریت کارآفرینی ترم آخر نسبت به نگرش آنان قبل از ورود به این رشته وضعیتی بهتر را نشان می‌دهد؛
 - ۳-۴. دانشجویان ترم آخر مدیریت کارآفرینی نسبت به دانشجویان ترم آخر برق در شاخص ریسک‌پذیری وضعیتی بهتر دارند.

پیشنادهایی برای تحقیق‌های آینده

۱. پژوهش‌گران بر مبنای نتایج حاصل از این پژوهش، پیشنهاد می‌کنند درسی جامع و فراگیر (حداقل به ارزش ۳ واحد) برای دانشجویان دوره‌های کارشناسی و کارشناسی‌ارشد (فنی و غیرفنی) درخصوص مبانی کارآفرینی و کسب و کار ارائه شود تا در تغییر نگرش آنان مؤثر باشد؛
 ۲. تحقیقاتی مشابه، به مقایسه تغییر نگرش مورد بررسی در این تحقیق بین دانشجویان رشته مدیریت کارآفرینی و سایر رشته‌های دانشگاهی بپردازد تا در صورت لزوم، دوره‌های آموزشی کارآفرینی برای رشته‌های مختلف، به صورت متفاوت و مجزا طراحی شود؛
 ۳. سنجش اثربخشی هر یک از دروس ارائه‌شده بعد از یک ترم در رشته کارآفرینی به منظور بازنگری در محتوا و روش تدریس دوره، صورت پذیرد؛
 ۴. اثربخشی ارائه درس مبانی کارآفرینی در تغییر نگرش دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران نسبت به ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی ارزیابی شود؛
 ۵. با بررسی تأثیر تدریس مباحث خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی در کلیه مقاطع تحصیلی (از مهد کودک تا دانشگاه) بر نگرش شرکت‌کنندگان در این دوره‌ها در مقاطع یادشده، برنامه‌های آموزش کارآفرینی به صورت جدی‌تر و جامع‌تر در کلیه سطوح طراحی و اجرا شود.
- در نهایت، پیشنهاد این است که فرایند تحول به سوی یک دانشگاه کارآفرین، برای القای رویکردی کارآفرینانه در جمیع آموزش‌ها، پژوهش‌ها و ساختارهای دانشگاهی تحقیق و تشویق شود.

منابع

۱. احمدپور، محمود و همکاران (۱۳۸۳)، تجارب کارآفرینی در کشورهای منتخب، امیرکبیر، تهران؛
۲. احمدپور، محمود (۱۳۷۷)، طراحی و تبیین الگوی پرورش مدیران کارآفرین در صنعت (پایان نامه دکتری)، دانشگاه تربیت مدرس، تهران؛
۳. همو (۱۳۷۸)، کارآفرینی، پردیس، تهران؛
۴. احمدی، مسعود (۱۳۸۵)، نیازسنجی آموزش کارآفرینی در میان دانشجویان دوره کارشناسی مهندسی برق دانشگاه تهران، مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران، تهران؛
۵. بدری، احسان (۱۳۸۴)، بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه اصفهان، اصفهان؛
۶. زالی، محمدرضا (۱۳۸۴)، ارزیابی مشخصه‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه مازندران، مرکز کارآفرینی دانشگاه مازندران، مازندران؛
۷. شکرشکن، حسین؛ برومندنسب، مسعود و نجاریان، بهمن (۱۳۸۱)، "بررسی رابطه ساده و چندگانه خلاقیت، انگیزه پیشرفت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز"، فصلنامه علوم تربیتی و روانشناسی، شماره ۳؛
۸. صمدی، پروین و شیرزادی، هما (۱۳۸۵)، "بررسی رابطه جو سازمانی مدرسه با روحیه کارآفرینی در دانش آموزان"، نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۶؛
۹. عزیزی، محمد (۱۳۸۲)، "روش‌های آموزش کارآفرینی"، اولین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، تهران؛
۱۰. هزارجریبی، جعفر (۱۳۸۲)، "توسعه کارآفرینی و دانش‌آموختگان"، پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، شماره ۳۰؛
۱۱. یارایی، علیرضا (۱۳۸۳)، بررسی برخی روحیات کارآفرینی در بین دانشجویان و مقایسه آن با مدیران صنایع (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه شیراز، شیراز؛
12. Béchar, J.P., Toulouse, J.M. (1998), "Validation of a didactic model for

- the analysis of training objectives in entrepreneurship", *Journal of Business Venturing*, Vol. 13, No.4;
13. Garavan, T. & O’Cinne’ide, B. (1994), “Entrepreneurship education and training programmes: a review and evaluation, part II”, *Journal of European Industrial Training*, Vol. 18 No. 11;
 14. Hansemark, O. (1998), The effects of an entrepreneurship programme on need for achievement and locus of control of reinforcement, *International Journal of Entrepreneurship Behavior and Research*, Vol. 4. No 1;
 15. Hisrich, R.D. & Peters, M.P. (1998), *Entrepreneurship*, 4th ed., Irwin McGraw-Hill, Boston, MA;
 16. Histrich D. Robert & G.Candida Brush (1986), *The Women Entrepreneur*, Lexington Books, Lexington, Massachusetts;
 17. Howard, S. (2004), *Developing Entrepreneurial Potential in Youth: The Effects of Entrepreneurial Education and Venture Creation*, University of South Florida Repot, 3-17;
 18. Jones, C. & English, f. (2004), contemporary approach to entrepreneurship education, *Education + Training*, Vol 46 · No 8/9;
 19. Jesselyn, M. & Mitchell, b. (2006), Entrepreneurship education in South Africa: a nationwide survey, *Education + Training*, Vol. 48 No.6;
 20. Edwards, Louise-Jayne & Muir, Elizabeth J. (2002), Promoting entrepreneurship at the University of Glamorgan through formal and informal learning, Business School, Welsh Enterprise Institute, University of Glamorgan, Pontypridd, UK;
 21. McMullan, W.E., Gillin, L.M., (1998), Industrial viewpoint Entrepreneurship education developing technological start-up entrepreneurs: a case study of a graduate entrepreneurship programme at Swinburne University, *Technovation* 18 (4);
 22. O’Shea RP; Allen TJ; Chevalier A; Roche F (2005), Entrepreneurial orientation, technology transfer and spinoff performance of US universities, *Research Policy*, vol. 34, No. 7;
 23. Postigo, S. & Tamborini, M. F. (2002), “Entrepreneurship education in

- Argentina: the case of San Andrés University”, Internationalizing Entrepreneurship Education and Training Conference, (IntEnt02), Malaysia;
24. Raymond, Louis (2003), the Learning Needs of High-Potential Entrepreneurs in Latin America, Second International Conference on Entrepreneurship;
25. Smith, A. Collins, L. Hannon, P. (2006), Embedding new entrepreneurship programmes in UK higher education institutions Challenges and consideration, Education Training, Vol. 48 No. 8/9;
26. Sookhtanlo, Mojtaba, Ahmad Rezvanfar, Seyyed Mahmoud Hashem (2009). "Psychological Capabilities Affecting Agricultural Students' Entrepreneurship Level: a Comparative Study", Research Journal of Agriculture and Biological Sciences, 5(2).